

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام، سال ششم، شماره دوازدهم، بهار و تابستان ۹۵، صفحات ۱۶۹-۱۹۳

تاریخ پذیرش نهایی: ۹۵/۷/۶

تاریخ دریافت: ۹۴/۹/۲

## الگوی ژاپنی پیشرفت در آثار تاریخی پیشامشروطه‌ی ایران

محمد سلماسی زاده<sup>۱</sup>

### چکیده

در سال‌های پیش از پیروزی جنبش مشروطیت برخی از نخبگان و مورخان ایرانی، پیشرفت ژاپن را مورد توجه قرار دادند و تلاش کردند علل آن را تبیین کنند. مساله پژوهش حاضر توصیف و تحلیل چگونگی پیشرفت و ترقی ژاپن از منظر این نویسندگان است.

گردآوری داده‌های اطلاعاتی بر اساس روش کتابخانه‌ای انجام یافته است. مهم‌ترین نتایج بدست آمده نشانگر آن است که آثار تاریخی مورد مطالعه با گذار از توصیفات صرف به تبیین‌های عقلانی از مقوله ترقی و مدل ژاپنی آن پرداخته‌اند. شکاکیت و دیدگاه انتقادی و انواع تبیین‌های عقلانی در این آثار مشاهده می‌شود. ایشان تلاش کرده‌اند با تبیین چرایی و چیستی جریان ترقی خواهی ژاپنی‌ها الگویی مناسب برای حرکت ترقی خواهانه ایرانیان ارایه کنند.

**کلید واژه‌ها:** الگوی ژاپنی، پیشرفت، آثار تاریخی، پیشامشروطه، رویکرد های عقلانی.

## *Japan progression pattern in the Historical sources of Iran*

M. Salmasizadeh<sup>1</sup>

### **Abstract**

A number of Iranian intellectuals and historians paid special attention to the Japan progression pattern in the years before the Constitutional Revolution in Iran in 1906 and tried to describe it. This research tried to describe and analyze the progression pattern of Japan from the perspective of the mentioned people. The data was gathered using library resources. The results indicated that the historical sources under investigation could provide a rational analysis of the reasons for the Japan progression pattern. Skepticism and critical and rational explanations could also be observed in these works. They have tried to explain the why and the what of the Japanese progressive pattern to provide a model for the Iranian progressive movement.

**Keywords:** Japanese pattern, Progress, Monuments, Before Constitution, Rational Approach.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

1 - Associate Professor, University of Tabriz msalmasizadeh@tabrizu.ac.ir

## مقدمه

نخستین مدل‌های نوسازی در تاریخ معاصر ایران برگرفته از فرانسه، انگلستان و روسیه بود. این مدل‌ها با هم فرق داشتند، مدل روسی بیشتر به نوسازی نظامی توجه داشت اما می‌توان گفت وجه مشترک هر سه، رویکرد نظامی به مفهوم نوسازی، ترقی و پیشرفت بود. در این رویکرد حکومتها پیش فرض اولیه‌اشان آن است که نوسازی نظامی می‌تواند به برتری در سایر زمینه‌ها بیانجامد. به عبارتی برتری نظامی با ترقی و اقتدار حکومت برابر نهاده می‌شود. شاهان قاجار تصور می‌کردند با نوسازی نظامی می‌توانند در برابر دشمنان خارجی مقاومت کنند و رقبای داخلی و سرکش را مطیع خود سازند. این رویکرد نوسازی را ضرورتی برای حفظ حکومت و افزایش اقتدار آن می‌دید نه وسیله‌ای برای تامین امنیت و رفاه عمومی.

بانی این رویکرد عباس میرزا بود که برای دست یابی به برتری نظامی از مستشاران فرانسوی و انگلیسی بهره برد، دانشجویی به انگلستان فرستاد و بر آن بود که از دانش و تخصص و سرمایه گذاری اروپایی‌ها در ایران استفاده کند اما نتوانست زمینه‌های اجتماعی این کار را فراهم سازد. با گذشت زمان و آشکار شدن عدم کفایت نوسازی نظامی برای ترقی و پیشرفت بخش‌هایی از دیوان سالاری ایرانی در صدد اصلاح نظام اداری از طریق انضباط مالی و نظارت بر کارکرد حکام و خوانین برآمدند. امیرکبیر نماینده شاخص این بخش بود. تلاش وی برای محدود سازی خودکامگی‌های سیاسی شاه و حکام و خوانین و ارکان سستی قدرت به سرانجام نرسید و طرح‌های انضباط مالی اش نیز لاجرم ناکام ماند.

با گسترش جریان نوخواهی و بهبود جویی از بدنه حکومت و دیوانسالاران به نخبگان اجتماعی عصر قاجار مدل دیگری شکل گرفت که نقطه کانونی و مشترک آن را می‌توان «قانون» خواهی دانست. در تمامی نخبگان اجتماعی ایران در نیمه دوم سده نوزدهم از اقشار مذهبی گرفته تا سکولار و ملی یک وجه مشترک وجود داشت و آن قانون خواهی بود. آخوند زاده، ملکم خان، میرزا حسین خان سپهسالار، سید جمال الدین اسد آبادی، میرزا یوسف خان مستشارالدوله و دیگران ایجاد نظام قانونی را مهم ترین پیش شرط اصلاحات و

نوآوری دانستند. مدل پیشنهادی ایشان در پی ایجاد عقلانیتی سیاسی بود که با مهار خودکامگی شاهان قاجار بتواند زمینه نوسازی را در حوزه‌هایی مانند اقتصاد و فرهنگ فراهم آورد. این تلاش هنگامی که از اوایل سده بیستم با جنبش عدالت خواهی عمومی همراه گردید منجر به پیدایش جنبش مشروطیت شد.

در عصر پیش از صدور فرمان مشروطیت که در مقاله حاضر از آن با عنوان «پیشا مشروطه» یاد می‌شود و همزمان با شکست روسیه از ژاپن در ۱۹۰۵ میلادی و درج اخبار آن در ایران، موج جدیدی از جریان اصلاح طلبی و بهبود خواهی با هدف الگو قرار دادن کشور ژاپن آغاز گشت.<sup>۱</sup> اطلاعات ایرانیان از ژاپن و پیشرفت‌های آن با آگاهی روشنگران ایرانی مقیم خارج از کشور از جریان نوسازی این کشور آغاز شد و با چاپ مقالاتی در روزنامه‌های مانند حبل المتین گسترش یافت. نخستین سیاحان ایرانی نیز در همین اوان به کشور ژاپن رفتند و از معجزاتی که فناوری و دانش در آن کشور آسیایی ایجاد کرده بود اخباری را پراکنده ساختند. یک سال پیش از صدور فرمان مشروطیت، «ماطه وس ملیک یانس» با ترجمه برخی از کتب خارجی اولین کتاب فارسی در تاریخ ژاپن را منتشر کرد و آن را «شمس طالعه یا دولت ژاپون» نامید.

چگونگی ترقی خواهی و پیشرفت ژاپنیان مساله پژوهش حاضر است که از خلال منابع تاریخی پیشامشروطه مورد توصیف و تحلیل قرار گرفته و الگوی پیشرفت ژاپنی از منظر نویسندگان این آثار با رویکردی عقلانی تبیین شده است. این الگو می‌توانست در عین بهره مندی از دانش و فناوری غرب در برابر زیاده خواهی‌های آن ایستادگی نماید و تلخکامی تحقیر شرقی توسط غربی را به شیرینی غلبه یک کشور آسیایی بر یک ابرقدرت

۱ - برای نمونه نک: ناظم الاسلام کرمانی، ۱۳۸۴، ج ۱: ۱۶۲. همچنین: کسروی، ۱۳۸۳: ۴۴. همینطور: دولت آبادی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۵-۶؛ و نیز: پروان، ۱۳۸۰: ۱۲۸-۱۲۷. همچنین: سایکس، ۱۳۸۰، ج ۲: ۵۶۴. کسروی از گستردگی این تأثیرات سخن گفته و بر این باور است که پیروزی ژاپن تکان سختی به مردم ایران داده است و ایشان را به تلاش واداشته است به نوشته وی: داستانهای این جنگ چندان پراکنده گردید و شناخته شد که نامهای «پورت آتور» و «مارشال اویاما» و «جنرال گروپاتگین» و مانند اینها زبانزد مردم گردید و مثلاً اگر کسی برتری فروختی یا بخود بالیدی چنین گفتندی: «مگر پورت آتور را گشاده‌ای که چنین میالی؟!...» و بسیاری از نویسندگان گزافه‌نویسی‌هایی از میهن‌دوستی ژاپونیان و از نیکخویی و از خردمندی آنان می‌نوشتند... و از آنسوی رو آوردن مردم باینها نشان پیشرفت تکان و بیداری شمرده می‌شد (کسروی، ۱۳۸۳: ۴۴).

اروپایی تبدیل کند و با حفظ آداب و رسوم ملی در مهار بحران‌های اجتماعی ناشی از نوسازی غربی موفقیت یابد.

پیشینه تحقیق: با مطالعه سایت‌های اطلاع‌رسانی از جمله پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران (ایران داک) پایگاه اطلاعات علمی (اس آی دی)، کتابخانه ملی ایران، مگ ایران، نور مگز و سیویلیکا؛ پژوهشی با رویکرد مقاله حاضر یافت نشد.

### چارچوب نظری

چارچوب نظری مقاله حاضر اتکا به رویکرد‌های عقلانی در تبیین الگوی پیشرفت ژاپنی است. رویکرد‌های عقلانی در تاریخ‌نگاری به معنای اتکا بر عقل در تاریخ‌نگاری است. مراد از عقل قوه ادراک معانی کلی و دریافت روابط و مناسبات میان اشیاء و امور است. می‌توان گفت که عقل بطور کلی بمعنای استدلال یعنی استنباط و استخراج فروع و نتایج از اصول و مقدماتی است که با نام اصول عقلانی از آن یاد می‌شود (فولکیه، ۱۳۶۶: ۸۰).

این اصول عبارتند از: علیّت<sup>۱</sup>، عدم تناقض<sup>۲</sup>، هوهویت<sup>۳</sup> و غایت<sup>۴</sup>.

مکاتب تاریخ‌نگاری<sup>۵</sup> که پای بند به این اصول باشند در واقع مدعی اند که در تاریخ نیز مانند جهان خارج هر پدیده‌ای معقول و منطقی است یعنی هر امری را جهت و علتی است که می‌توان آن جهت و علت را با عقل و منطق تبیین کرد. از این منظر رویکردهای عقلانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۱ - یعنی اینکه هر تغییری را علتی است یا آنکه هر حادثی را علتی است (فولکیه، ۱۳۶۶: ۹۳).

۲ - یعنی اینکه یک چیز نمی‌تواند در آن واحد هم باشد و هم نباشد-اجتماع و ارتفاع نقیضین محال است- (فولکیه، همان: ۹۴).

۳ - هوهویت صفتی است که موجب می‌شود که چیزی عین چیز دیگر نباشد، بلکه هر چیزی خودش باشد. چیزی که هست، هست؛ الف الف است. این اصل اثبات می‌کند که مفاهیم منطقی ثابت است؛ یعنی یک لفظ از ابتدا تا انتهای یک استدلال معرف مفهوم واحد است (فولکیه، همان: ۸۹-۹۰).

۴ - یعنی اینکه هر چیزی را غایتی است. غایت داشتن وصف ذاتی هر موجود و هر فعلیتی است. به گفته ارسطو طبیعت هیچ چیز باطل و بی کار نکند (فولکیه، همان: ۹۴).

۵ - مانند مکتب آنال که پیروان آن با گرایش به رویکرد ساختاری-کارکردی از پیشگامان رویکردهای عقلانی در تاریخ‌نگاری بودند. هدف ایشان کشف عناصر کلی جوامع بشری و تبیین نقش بالفعل نهاد‌های اجتماعی بود که همگی به مدد عقل انجام می‌شد. (برای مطالعه بیشتر نک: مایکل استنفورد، درآمدی بر تاریخ پژوهی، ترجمه مسعود صادقی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت) ۱۳۹۲، چاپ ششم، ص: ۱۷۱).

در تاریخ‌نگاری به معنای گذر از مرحله‌ی توصیفات صرف و پای نهادن در مسیر تحلیل و تبیین است.

به گفته‌ی اتکینسون<sup>۱</sup> یکی از مایه‌های اعتبار مورخان علاوه بر توصیف و روایت، خلق و ارایه تبیین‌هایی است که علی باشد یعنی تلاش برای پاسخ دادن به سوالات مربوط به چرایی، چگونگی و چیستی پدیده‌های تاریخی؛ چنین تحلیل‌هایی هم عقلانی است و هم قانونمند و مفید زیرا به علت<sup>۲</sup> و عقل<sup>۳</sup> تکیه دارد (اتکینسون و همکاران، ۱۳۹۲: ۳۸-۳۶).

معرفت تاریخی با اتکا به رویکردهای عقلانی می‌تواند یافته‌هایی قابل تعمیم بوجود آورد که اساس معرفت علمی شمرده می‌شود. امتیاز چنین معرفتی آن است که به شکلی بسیار متمرکز پدید می‌آید و انتقال، حفظ و کاربرد آن آسان می‌شود (استفنورد، ۱۳۹۲: ۱۸۳). بدین ترتیب می‌توان گفت که رویکرد عقلانی به تاریخ به معنای تبیین علی تاریخ است.

تبیین‌های تاریخی شامل فرموله کردن، تعمیم پذیر ساختن و قانونمند کردن (البته در دامنه‌ای محدود) دریافت‌های تاریخی است. ارایه ویژگی‌های نسبتاً وسیع و فراگیر رویداد های تاریخی از موارد پیشنهادی برای تبیین تاریخی است که درک، استنباط و تبیین همه این مراحل به کمک عقل صورت می‌گیرد. برخی از این رویکردهای عقلانی همان تبیین‌های علی است که با گذر از مرحله‌ی روائی و توجه به علت و غایت انجام می‌گیرد. حتی اگر تبیین‌های علی منجر به ارایه یک قانون کلی نشود از این منظر که به علت توجه کرده است رویکردی عقلانی خواهد بود (Graham macdonald, 2009: 140).

تبیین‌هایی که یک پیامد یا الگویی کاملاً معین در تاریخ را واکاوی می‌کند رویکردی عقلانی است. چنین تبیین‌هایی می‌تواند نظم‌های علی- حداول نظم‌های محدود دامنه- را در تاریخ کشف و ارایه کند (اسکاچپول، ۱۳۹۲: ۵۱۵). درست مانند همان کاری که نویسندگان آثار مورد پژوهش در این مقاله در تبیین الگوی پیشرفت ژاپنی و پیامدهای آن انجام می‌دهند.

1 - R.F. Atkinson

2 - Cause

3 - Reason

در نوشته‌های ایشان می‌توان چنین رویکرد هایی را دید. تلاش برای تبیین علل و دلایل پیشرفت ژاپن و سودمندی و غایت آن و اثبات عینیت تکرار پذیر قوانین ترقی، همه و همه متکی به همان اصول عقلانی پیش گفته است. این اصول ثابت می‌کنند که ترقی و پیشرفت ژاپن واقعی است عینی (اصل هوویت)، دارای علل و دلایل (اصل علیت)، هدفمند و جهت دار (اصل غایت) و ناسازگار با روش‌های منحط پیشینی (اصل تناقض) در این کشور.

در عین حال رویکرد های عقلانی در تاریخ نگاری به دلیل اطلاق و کلیت عقل، می‌تواند الگوهایی از پیشرفت و ترقی را برای دیگر کشورها نیز ترسیم کند که قابلیت تعمیم و تکرار داشته باشد. همان که در موارد متعددی از نوشته‌های مورد پژوهش در این مقاله دیده می‌شود.

### پیشرفت ژاپن

ژاپن در نیمه سده نوزده پس از دو قرن و نیم حاکمیت خاندان توکوگاوا<sup>۱</sup> که به نام امپراتور و به کام سپهسالاران<sup>۲</sup> و خوانین محلی<sup>۳</sup> بود با وضع دشواری روبرو شد. رکود، خمودگی، انزوا و نابسامانی های داخلی این کشور را از نظام کهن خود ناامید کرد و تهدید ناوهای جنگی آمریکایی منجر به گشایش بنادر ژاپن به روی اجناس و افکار جدید شد. این امر دست کم با خواست بخشی از حاکمان آن که شیفته صنعت پیشرفته غرب شده بودند همراه شد و ناآرامی در داخل و فشار از خارج این کشور را به تغییر و اصلاح واداشت. منازعات قدرت میان خوانین ژاپنی، با حمایت نیروهای غربی منجر به تاسیس حکومت مرکزی در این کشور و کنار گذاشتن شوگان‌ها گشت، خاندان توکوگاوا بطور کامل از قدرت کنار گذاشته شد و امپراتور موتسو هیتو<sup>۴</sup> که بعدها میجی<sup>۵</sup> نام گرفت از ۱۸۶۸ نظامی تازه و نظمی نوین در این کشور باستانی شرق آسیا ایجاد کرد (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۲-۹). او در طی

1 - TOKUGAWA

۲ - شوگان‌ها (Shoogunate)

۳ - دای میوها یا اربابان فتودال (Daimyoo)

4 - Mutsuhito

5 - MEIGI به معنای ترقی و پیشرفت

سال‌های امپراتوری اش (۱۸۶۸-۱۹۱۲) به حکومت ۷۰۰ ساله نظامیان تیولدار<sup>۱</sup> پایان داد، اداره فردی ژاپن را در دست گرفت و محدودیت‌های بازرگانی خارجی را لغو کرد. در همین دوران ژاپنی‌ها شیوه‌های زیادی را از غرب آموختند. ارتش نوین به سبک آلمانی شکل گرفت و نیروی دریایی به روش بریتانیا تاسیس شد. حکومت مرکزی دیوانسالار تشکیل شد و طرح‌های جدی صنعتی در پیش گرفته شد. قانون اساسی نوین وضع شد (۱۸۸۹) و نظام انتخابات دو مجلسی برپا گردید. نیمه دوم این عصر با توسعه طلبی ارضی ژاپن همراه گردید که مظهر آن نفوذ به کره و منچوری و پیروزی در جنگ روسیه-ژاپن در ۱۹۰۴-۵ بود.

در عین حال نوسازی ژاپن را نمی‌توان تنها در گرو اقدامات فردی امپراتور دانست. نخبگان ژاپنی در آن مشارکت فعال داشتند<sup>۲</sup> و بسیاری از ایشان پیش از امپراتور به تغییر آرا و افکار خود پرداختند. مشهورترین ایشان هیرو بومی ایتو<sup>۳</sup> بود که در ۱۸۸۵ نخست وزیر شد و نخستین کابینه ژاپن را شکل داد (پالم، ۱۳۸۷: ۳۲۶) او رهبر جنبش غرب گرایی بود که در ۱۸۶۳ به بریتانیا اعزام شد و در بازگشت به ژاپن ایده پذیرش الگوهای حکومتی بریتانیا بر اساس شرایط ژاپنی‌ها را پروراند.<sup>۴</sup>

دیگر نخبگان سیاسی جامعه ژاپن<sup>۵</sup> نیز از سال ۱۸۶۸ در قالب نمایندگان ولایات، مجلس

۱ - از اواخر قرن دوازده میلادی تا نیمه دوم قرن نوزده حکومت توکوگاوا توسط «ای یه یاسو» با لقب معروف شوگون به معنای سپهسالار، به قدرت رسید. شوگون‌ها در ظاهر توسط امپراتور منصوب می‌شدند و به نام او بر کشور حکومت می‌کردند. اما در واقع تمام اختیارات کشور در دست ایشان بود و حتی انجام مراسم مذهبی امپراتور به اراده شوگون بستگی داشت (بنه دیکت، ۱۳۷۱: ۷۸ و ۸۹).

۲ - در طول دوران میجی (۱۸۶۸-۱۹۱۲) بیش از هزار ژاپنی برای آموزش به غرب اعزام شدند، حدود ۴۰ درصد از ایشان به آمریکا رفتند و در آنجا به آموختن تکنولوژی، تجارت و صنعت مشغول شدند. یک سوم به بریتانیا اعزام شدند و علوم مهندسی، صنعت و تجارت را فراگرفتند، آنهایی که به فرانسه رفتند به علم حقوق و مسافران آلمان به علوم سیاسی و پزشکی روی آوردند. در همین دوران حدود چهار هزار کارشناس خارجی که به ماشین‌های زنده معروف شدند به کار آموزش ژاپنی‌ها و صنعتی کردن این کشور مشغول بودند (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۳۰-۱۲۹).

3 - Ito Hirobumi

۴ - او در ۱۸۷۱ به سفری دوساله دور دنیا رفت. مجموعاً تا ۱۹۰۱ ده سال به تناوب نخست وزیر شد و تشکیل نخستین پارلمان ژاپن (فوریه ۱۸۹۰) عمدتاً در سایه تلاش وی انجام گرفت و نوسازی ناوگان ژاپن مدیون زحمات او بود (پالم، ۱۳۸۷: ۱۰۵).

۵ - بسیاری از دای میو‌ها یا اربابان فئودال و نیز مقامات پایین تر این امکان را داشتند تا از عقاید علمی و فن اوری غرب به انتخاب انتخاب خود و نه به اجبار، بهره برداری کنند. اینان تمایل نیرومندی را بر این اساس در ذهن خود پروراندند که شعارش این بود: «اگر چیزی به نفع ماست (یامی‌تواند باشد) از آن استفاده کن» (آدلر، ۱۳۸۴: ۵۸۹).



مجلس مشورتی تشکیل دادند و «میثاق نامه» که نیات و فلسفه بنیادی حکومت جدید بود را به تصویب رساندند. امپراتور پذیرفت که به مردم سالاری<sup>۱</sup>، آزادی، منافع ملی و تغییر و اصلاح<sup>۲</sup>؛ پایبند باشد و مردم ژاپن قبول کردند «عادات پست گذشته» را کنار نهاده «شیوه‌های مترقی» را جایگزین آن سازند. ترقی خواهی ژاپنی از پارادوکسی زیبا و پویا برای پیشبرد اهدافش بهره مند شد و گرایش به تجدد در عین وفاداری به آیین باستانی شینتو<sup>۳</sup> و میراث و فضایل ملی مورد تأکید قرار گرفت. همین اصول پایه و مایه پیشرفت و ترقی شگفت انگیز و سریع ژاپن در سده بیستم را فراهم آورد.<sup>۴</sup>

موتسوهیتو در ۱۸۷۲ همزمان با توسعه راه آهن، آزادی تجارت و دیگر وجوه صنعتی شدن؛ بر اهمیت آگاهی عمومی، آموزش همگانی و آزادی مطبوعات تأکید کرد (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۴-۱۳). کمی بعد فرمان مشروطیت در ۱۸۸۱ صادر شد و با دور اندیشی و برای آمادسازی مقدمات نظام پارلمانی اعلام گردید که نخستین مجلس ملی این کشور پس از مطالعه در قوانین اساسی کشورهای پیشرفته اروپایی و آشنایی با مجالس ایشان، نه سال بعد افتتاح خواهد شد. به همین منظور سه هیات به اروپا اعزام شد، گروه نخست به مطالعه قانون اساسی و دیگر قوانین کشورهای پرداخت؛ دومی بر امور مالی، تجارت، صنعت و ارتباطات تمرکز کرد؛ و گروه سوم به آموزش و پرورش پرداخت. اطلاعات نظامی هم توسط همه گروه‌ها جمع آوری شد. هیات از کشورهای آمریکا، بریتانیا، فرانسه، بلژیک، هلند و آلمان دیدار و با مقامات این کشورها همچون بیسمارک ملاقات کرد. از ادارات دولتی، تاسیسات نظامی، پارلمان‌ها، دادگاه‌ها، کلیساها، موزه‌ها، مدارس، بانک‌ها و کارخانه‌های مختلف دیدن کرد. دست آورد های این سفرها در قالب مجموعه‌ایی از حقایق و آرا در ۱۸۷۸ در پنج

۱ - ماده یک این میثاق نامه از برپایی «مجامع مشورتی به میزان وسیع» و حل مسائل با بحث و تصویب عمومی سخن می‌گفت (مرتون، ۱۳۶۴: ۱۹۰).

۲ - در همین سند امپراتور توصیه کرد که ژاپن «نگاه قورباغه وار به جهان از ته چاه» را کنار بگذارد و به جای آن از خارجی‌ها بیاموزد و «بهترین اصولشان را اخذ و کاستی‌های خود را جبران کند» (بیضلی، ۱۳۹۳: ۸۹-۸۸).

3 - Shinto

۴ - مردم ژاپن بر خلاف مردم چین مصمم ماندند تا کاملاً در غرب مستحیل نشوند. بعکس، نشان دادند اقتباس کنندگان بسیار مطمئن به خود هستند و اگر چیزی را مفید تشخیص دهند، می‌پذیرند آنچه را طرد می‌کردند که سودی برایشان نداشت (آدلر، ۱۳۸۴: ۵۸۹).

جلد منتشر و به ژاپنیان اهدا گردید که رهنمودی برای نوسازی همه جانبه به سبک غرب شد (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۲۹-۱۲۸).

سرانجام در ۱۱ فوریه ۱۸۸۹ با افتتاح مجلس، روزی فرا رسید که در تاریخ بعنوان «روز بنیاد امپراتوری ژاپن» شناخته می شود (یوشیدا، ۱۳۷۳: ۱۶).

نکته با اهمیت دیگری که کمتر به آن توجه شده آن است که اصلاحات و نوسازی ژاپن نه تنها قدرت امپراتور را محدود نکرد بلکه وی را از سایه قدرت به کانون اقتدار سیاسی آورد.<sup>۱</sup> دست کم در ۲۰ سال اول عصر میجی امپراتور اقتداری مطلق یافت و شینتوئیسم<sup>۲</sup> در کنار ملیتاریسم<sup>۳</sup> دو پایه مستحکم برای قدرت مطلقه وی ایجاد کرد و مبارزات جنبش مدنی ژاپنی‌ها<sup>۴</sup> سرانجام پس از ۲۰ سال در ۱۸۸۹ امپراتور را وادار کرد با پذیرش قانون اساسی بخشی از اقتدار مطلق خود و دولتش را به نفع حقوق اساسی ملت ژاپن کنار گذارد.<sup>۵</sup> اهمیت این موضوع از آن جهت است که در تحلیل علل ناکامی جنبش ترقی خواهی ایرانیان و مقایسه‌ی آن با ژاپن بسیاری از پژوهشگران تأکید می‌کردند که امپراتور ژاپن داوطلبانه حاضر به تقسیم قدرت شد اما ناصرالدین شاه قاجار چنین وضعی را نپذیرفت. این یک خطای فاحش تاریخی است زیرا جنبش نوسازی ژاپنی قدرت امپراتور را احیا و تقویت می‌کرد و طبیعی بود که امپراتور با آن همراه گردد اما ترقی خواهان ایرانی در صدد کاهش اختیارات شاه بودند و این با مزاج استبدادی شاهان قاجار و سنت دیرپا و سخت جان خودکامگی ایرانی راست نمی‌آمد.

۱ - در ماده پنجم نخستین اصول حکومت جدید که با نام امپراتور در سوگندنامه پنج ماده‌ای منتشر شد، به «...استواری حکومت امپراتوری ...» تأکید شده بود (مرتون، ۱۳۶۴: ۱۹۲-۱۹۱).

2 - Shintoism

3 - Militarism

۴- این جنبش با عنوان «تهضت آزادی خواهی و حقوق ملی» تشکیل شد (Beckmann, 1975: 43) و فعالان آن اعم از کشاورزان، سامورایی‌ها و تعداد زیادی از زنان بیش از دویست سازمان سیاسی و احزاب ملی تشکیل دادند و به امپراتور پیشنهاد استقرار حکومت مشروطه بر اساس قانون اساسی را دادند (Gorden, 2003: 81). بر خلاف تصور اغلب غربی‌ها، ژاپن در طی این دوره به عنوان کشوری تحت سلطه نخبگان و امپراتور بود و ژاپنی‌ها بر سر نقش امپراتور و محدود کردن قدرت او توسط یک مدل پارلمان محور و افزایش حقوق شهروندان عادی به شدت بحث و منازعه می‌کردند (falsafi, 2010: 363).

۵- حتی در همین زمان نیز این قانون موهبت و بخششی از طرف امپراتور تلقی می‌شد، نه تکلیف و وظیفه‌ی او (Beckmann, 1975: 42-43).

## الگوی ژاپنی پیشرفت از نظر ایرانیان

در عصر پیشامشروطگی نخستین ایرانی که به کشور ژاپن سفر کرد ابراهیم صحافباشی بود. او سوادگری بود که برای فروش جواهرات راهی دریاهای دور شد و از راه غرب و با گذر از اروپا و آمریکا به ژاپن رفت و سرانجام در روز دوشنبه شانزدهم ربیع الاول ۱۳۱۵ (۱۵ اوت ۱۸۹۷) به بندر یوکوهوما در ژاپن رسید و ۴۸ روز در این کشور ماند (رجب زاده، ۱۳۷۱: ۹۵). میرزا ابراهیم صحافباشی را مردی متجدد و مبتکر و آزادیخواه دانسته‌اند که نخستین بهره بردار سینما در ایران هم بوده است (همان: ۹۷). سفر میرزا ابراهیم صحافباشی به دور دنیا و ژاپن شش سالی پیش از سفر مهدیقلی هدایت به این کشور بوده است (همان: ۱۰۰). وی برای تامین معاش روزانه اش ناچار به جهانگردی شده از این روی تجارت در کانون توجهات او قرار دارد اما در عین حال و شاید ناخواسته تفاوت سطح زندگی و تجارت در ایران با غرب و ژاپن او را وادار به تفکر در این باره می‌کرده است.<sup>۱</sup>

صحافباشی با رویکردی عقلانی تلاش کرد علت ترقی غرب و عقب ماندگی شرق را تبیین کند.<sup>۲</sup> از نظر او نبود عقل و دانش، انباشت خشونت، پرداختن به می و معشوق و بی توجهی به کارهایی که منافع جمعی را تامین می‌کند، عوامل اساسی انحطاط شرق است.<sup>۳</sup> او اصلی‌ترین دلیل پیشرفت ژاپنی‌ها را نظم و عدالت حکومت ژاپن می‌داند (صحافباشی، ۱۳۵۷: ۹۳-۹۲). نقش حاکمان را در پیشرفت و ترقی مهم تر می‌داند و می‌نویسد این مردم

۱ - می‌گوید ایران بهترین سرزمین دنیاست اما چرا به چنین روزی افتاده است؟! چرا صادرات آن جز اندکی پشم و پنبه و تریاک نیست؟! در حالی که کشورهای دیگر میوه‌های نه چندان مرغوبشان را در داخل قوطی‌های آهنی به همه دنیا صادر می‌کنند؟! (پرتو، ۱۳۸۲: ۱۲۴)

۲ - برای نمونه هنگامی که با کشتی ویکتوریا عازم ژاپن بود مسحور از عظمت آن و با گذر از مرحله تحیر، به تعقل رسیده نوشت: «سعدی می‌گوید بنازم بدستی که انگور چید و حال آنکه هر حمالی انگور می‌تواند بچیند پس باید گفت بنازم به بدستی که کشتی بساخت چنین چیزی که به اندازه قصبه‌ایست و با این راحتی مردم را از یک دنیا به دنیای دیگر می‌رساند بدون هیچ زحمتی و معطلی بدین قلیل مدت.» (صحافباشی، ۱۳۵۷: ۸۲)

۳ - «هیچ کتابی و یا تاریخی نداریم که بیاموزد یا عقل بیفزاید بجز زدن و کشتن و خوردن و... همه نوع دکانی در این کشتی از قبیل رخت‌شوئی، آهنگری، پینه‌دوزی، گله گوسفند و گاو و انبار آذوقه و غیره موجود است و شبانه‌روزی یکصد و بیست فرسخ تقریباً مسافت طی می‌کند می‌گویند بیشتر هم می‌تواند طی بکند و براند اگر بخواهد. پس دیدن و فهمیدن و شناختن این نوع چیزها لذتش از می و معشوق بیشتر است ... فقط افتخار در عملی است که فائده عموم در آن باشد» (صحافباشی، ۱۳۵۷: ۸۳).

علی رغم ضعف های اخلاقی اشان<sup>۱</sup> به دلیل اطاعت از دستورات حکومت ترقی خواه اشان توانسته‌اند پیشرفت کنند. به باور او کار و تلاش، درس خواندن و توجه به روشهای تجربی برای افزایش هوش فراگیران مهم ترین دلایل پیشرفت این کشور است.<sup>۲</sup> می‌نویسد: «بچه‌ها از چهار پنج سالگی مشغول کار و درس هستند الی پیرمردان شصت ساله، چه زن و چه مرد» (همان: ۸۷). سفرنامه صحافی‌اشی در عین حال آکنده از توصیفات پرشماری از نوع معیشت، البسه، اغذیه، خانه‌ها، تفریح‌ها و آداب و رسوم ژاپنی‌ها است و اینطور نیست که توصیف را به یکباره کنار نهاده باشد که این اساسا امکان پذیر نیست و توصیف مرحله اول و لازمه تبیین است. او موسیقی و مذهب ژاپنی‌ها را مورد انتقاد قرار داده سطح آن را نازل و سرشار از موهومات و خرافات می‌داند که با کف بینی و رمالی همراه شده است (همان: ۹۰-۸۵).

صحافی‌اشی از آنجا که شغل دولتی نداشته و سفرش نیز رسمی نبوده است با آزادی عمل بیشتری به نگارش آنچه دیده و فهمیده دست یازیده است و به تعریف و تمجید صرف نپرداخته است (همان: ۲۱). وی از خلال توصیف نمایشگاه دریایی شهر کوبه‌ی ژاپن و آکواریوم آموزشی آن در واقع، باور خود در بکارگیری متدهای علوم تجربی مانند دیدن، سنجیدن و فهمیدن را تبیین می‌کند و مدعی است که می‌خواهد با قوه نقد و با نیروی علم و دانایی سنگ سخت تحجر را بشکند (همان: ۸۰).

### ژاپن قانونمند

میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی، تاجر و نو اندیش ایرانی مقیم روسیه نیز در سال‌های پیش از مشروطه به پیشرفت ژاپن توجه کرد. تحلیل‌های او از علل پیشرفت این کشور بیشتر بر سه محور: قانون، آزادی و دانش تجربی استوار است. او نخستین ایرانی است که به

۱ - اخلاق عمومی مردم طبقات پایین ژاپن را نمی‌پسندد و بر فریبکار بودن تجار ژاپنی یا خشونت مردم عادی آن و رعایت نکردن آداب اروپایی به هنگام غذا خوردن و صحبت و خنده اظهار تاسف می‌کند و بویژه بر بی‌حجابی و برهنگی و اختلاط مرد و زن ایراد می‌گیرد (صحافی‌اشی، ۱۳۵۷: ۹۱)

۲ - در توصیف آکواریوم بزرگ شهر کوبه می‌نویسد: متجاوز از هزار قسم ماهی و انواع دام‌ها و توها را برای آموزش مردم نمایش می‌دهند و تمام این مخارج و اسبابها از برای دیدن مردم و ازدیاد هوش است (صحافی‌اشی، ۱۳۵۷: ۹۰-۸۹).

ترجمه قانون اساسی ژاپن همت گمارد و در سال ۱۳۲۴ قمری در کتاب «مسائل الحیات» آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد. از نظر وی قانون اساسی مهم ترین سند حقوق اساسی انسان‌ها و از دلایل اصلی پیشرفت ژاپن و هر کشور متمدن دیگری است. وی ترجمه قانون اساسی ژاپن را در صفحات ۱۳۷ تا ۱۵۱ این کتاب آورد و اصول آن را در ۵۶ فصل خلاصه و با بیانی که مناسب درک خوانندگان آن زمان باشد ارایه کرد. این اصول ناظر به استقرار نظام قانونی در کشور ژاپن و تامین آزادی و امنیت اهالی و بیانگر شکل حکومت پارلمانی آن و توصیف کننده حقوق شهروندی ژاپنیان و وظایف قانونی ایشان و چگونگی پرداخت مالیات است. در عین حال اختیارات ویژه ایی به امپراتور در وضع قوانین، اعلام صلح و جنگ و انحلال مجلس داده است و مهم تر آنکه شکل حکومت و تفکیک قوا در آن تبیین گردیده است. طالبوف از معدود کسانی است که به اختیارات ویژه امپراتور و قدرت یابی او در صحنه سیاسی ژاپن جدید توجه و آن را مورد تایید قرار داده است (طالبوف، ۱۳۲۴: ۱۰۲-۱۰۱).

پیش از آن نیز در ۱۳۱۹ ق طالبوف در کتاب «احمد یا سفینه طالبی» تأکید داشت که مردم دوستی و اجرای عدل و داد، وضع قانون اساسی، تعمیم مساوات، نشر معارف و افتتاح چندین هزار مدرسه از مهم ترین علل پیشرفت سریع ژاپن است (طالبوف، ۱۳۳۶: ۱۳۸).

طالبوف مشروطیت و استقرار نظام قانونی مبتنی بر تفکیک قوا را مهم ترین عامل پیشرفت ژاپنی‌ها تلقی می‌کند و می‌نویسد: دول مشروطه قانونی دارند بنام قانون اساسی که بنای محکم نظام حقوقی ایشان بر اساس آن استوار است از جمله ژاپن، اصول این قوانین اساسی در همه کشورها یکی است مگر در ژاپن که اندک تفاوتی دارد که در آن امپراتور امتیازات ویژه ایی دارد (طالبوف، ۱۳۲۴: ۱۰۲-۱۰۱). او رمز موفقیت کشورهای متمدن را برخورداری از نظام مشروطه و قانون اساسی دانسته آن را موجب اتحاد دولت و ملت، تهذیب اخلاق و نشر عدالت می‌شمارد (همان: ۱۱۰-۱۰۹). او با مطالعه تاریخ ژاپن به استنباط قانون کلی پیشرفت می‌پردازد و آن را الگویی فراگیر برای همه کشورها معرفی می‌کند. اساس این الگو استقرار قدرت قانون، مهار خودکامگی و نهادینه کردن آزادی است (همان: ۱۱۵-۱۱۴).

طالبوف سلاطین آسیا را به پیروی از امپراتور ژاپن فرا می‌خواند و تأکید دارد که «هر منکری با خواندن تاریخ می‌فهمد که آنچه وحشیان جزایر ژاپن را در طی سی سال به قله مدنیت و افتخار رساند گذشت امپراتور از اختیارات خودکامانه اش می‌باشد» (همان: ۱۱۸).  
 آنگاه به مقایسه نظام های قانونی و حکومت‌های استبدادی پرداخته با شرح حال اقدامات و رویه‌های حکومتی امپراتور ژاپن و تزار روسیه می‌نویسد: قضای آسمانی (قانون تکوینی) و سنت موید تاریخ است که نتیجه خود کامگی چیزی جز انحطاط و عقب ماندگی و نتیجه قانون و آزادی چیزی جز پیشرفت نخواهد بود.<sup>۱</sup> او تأکید دارد: «غلبه یک مشت ژاپون به یک صحرا روس از علم و آزادی اولی و جهل و ظلم سلطنت مطلقه دیگری نیست؟! مگر نیل چهل و پنج ملیان موغول وحشی در سی سال به این غیرت و کفایت جز علم وسیله و جز آزادی سبب دیگر داشت؟» (همان: ۷۲).

البته در سطح متوسط و خرد نیز او با روی آوردن به تبیین‌های کارکردی<sup>۲</sup> به بیان برخی از صفات و خصوصیات اخلاقی ژاپنی‌ها پرداخته می‌نویسد: «ترقی این ملت به دلیل بیداری، غیرت، پرکاری، کفایت و کاردانی و مال بینی ایشان است، صفاتی که در اکثر ملل آسیا نیست» (همان: ۷۱).

### تبیین‌ها عقلانی و روشمند از پیشرفت ژاپن

تا آنجا که داده‌های تاریخی ما اجازه می‌دهد می‌توانیم مهدیقلی خان هدایت و هیات همراه او را دومین هیاتی بدانیم که سه سال پیش از پیروزی جنبش مشروطیت به ژاپن رفته‌اند. هدایت برخلاف صحافباشی از اقشار ممتاز جامعه بود، یک شاهزاده اشرافی که در آلمان درس خوانده مناصب اداری و حکومتی را تجربه کرده بود و لقب مخبرالسلطنه را یدک می‌کشید. این وزیر معارف آتی به زبان آلمانی مسلط بود، فرانسه می‌دانست و با

۱ - هر بد که می‌کنی تو میندار کان بدی

ایزد فرو گذارد و دوران رها کند

قرض است فعلهای بدت نزد روزگار

در هر کدام دور که خواهد ادا کند (طالبوف، ۱۳۳۴: ۱۲۰).

۲ - Functional Explanation یا تبیین کارکردی یک پدیده را برحسب پیامدهای آن تبیین می‌کند (مفتخری، ۱۳۸۹: ۱۱).

انگلیسی رفع نیاز می‌کرد. پس از سالها اقامت در اروپا به ایران آمد و به خواست نخست وزیر معزول آن روزگار، میرزا علی اصغر خان اتابک، در او با سفر دور دنیا همراه شد این هیات در سال ۱۳۲۱ ق از راه مسکو و سیبری به چین و ژاپن رفته از بنادر آن دیدار کرده و با سیاستمدار برجسته آن «ایطو»<sup>۱</sup> دیدار کرده (۱۹۰۳) به حضور امپراتور رسید. هدایت حتی پیش از سفر به ژاپن در باره این کشور مطالعه کرد و با دیده‌ایی تیز بین و روشن نگر به تجزیه و تحلیل رویدادها و اتفاقات آتی پرداخت. در آغاز سفر در مسکو دو کتاب در باره ژاپن خریداری و مطالعه کرد (هدایت، ۱۳۶۸: ۱۱).

از پیشرفت‌های فناورانه ژاپن تعجب کرد اما به مدد تبیین‌های عقلانی از مرحله تحجیر و انفعال عبور کرد و کار و تلاش و پیروی از الگوهای اروپایی را عامل ترقی این کشور معرفی کرد<sup>۲</sup> و درعین حال وجوه استعماری و ناخوشایند غرب و اروپا را هم مورد انتقادات تند و جاندار خود قرار داد. وی با مقایسه چین و ژاپن با رویکردی همدلانه از عموم شرقی‌ها می‌خواهد که از آسمان فرود آمده ببینند در زمین چه خبر است و با توجه به اسباب و علل واقعی پیشرفت و ترقی، خرافات و موهومات را کنار نهند و گمراه ظاهر فریبنده غرب نگردند. وی با اشاره به ورود خشونت بار آمریکا و انگلستان به ژاپن می‌نویسد این قدرتهای اروپایی برای کسب سود و منفعت مادی است که به آسیا روی آورده‌اند «و به هر وسیله مشرق زمینی را به بازی مشغول می‌کنند» متاسفانه چینی قناعت به ظاهر اروپایی کرده و از کشف علل واقعی پیشرفت ایشان غافل مانده است، اما چینی و شرقی نیز باید از آسمان فرود آمده ببینند در زمین چه خبر است؟ در مقابل این هجوم گسترده و پرزور «طلسم و آتش نخود لاله الا الله کار نمی‌کند، افسون نمی‌شوند» (همان: ۱۰۶). وی با تبیینی کارکردی، وجوه نامتجانس ترقی خواهی وارداتی را به نقد می‌کشد و می‌نویسد ترقی خواهی وارداتی که به طرز معیوب و ناقص و براساس تربیت مغرب زمینی بر سایرین تحمیل بشود فایده‌ایی ندارد و به بهانه آزادی ساختگی ایشان را در قید و بند اروپا محصور می‌کند (همان: ۱۴۷-۱۴۶).

1 - Ito Hirobumi

۲ - با ملاحظه این احوال تعجبمان از ژاپنی‌ها بیشتر شد، غافل از اینکه ژاپن مملکت آسیایی هست، اما مثل ما نخوایده است و تدارک اروپائی دارد (هدایت، ۱۳۶۸: ۳۸).

سراسر سفرنامه هدایت آکنده از روش‌های تبیینی متفاوت و درعین حال عقلانی برای یافتن علل پیشرفت ژاپن و ترسیم الگوی ترقی آن برای شرقیان است. گاه متأثر از ایده آلیسم تاریخی آلمان درون فهمی را در پیش می‌گیرد و خود را بجای عامل یا عاملان ترقی ژاپن قرار می‌دهد تا به این وسیله بتواند علت وقوع این پدیده تاریخی را از درون احساس کند؛ و گاه با دقت نظر اثباتی در جزئیات می‌کوشد تمامی علل و دلایل پیشرفت را با تبیین علمی کنار هم بگذارد و با گذر از توصیفات عامیانه، خرافی و قالبی علل و عوامل پدیده آورنده ترقی و پیشرفت ژاپن را در بطن جامعه جستجو می‌کند از نظر هدایت این علل و عوامل قابل شناخت است و راه شناخت آن نیز روی نمودن به آن با دیدی واقع بینانه است. در تبیین این علل با جمع بندی ویژگی‌های مثبت و سازنده ژاپنی‌ها می‌نویسد کار زیاد و منظم زنان و مردان، سادگی و آداب دانی، احترام و حرمت به مهمانان و مسافران، گدایی نکردن، صدقه قبول نکردن، اهتمام به عناصر فرهنگ ملی، لطافت و ظرافت هنری، تمیزی و پاکی، اهمیت دادن به خدمت نظامی، تجارت گسترده با همه کشورها، استفاده از مصنوعات و روشهای جدید اروپایی؛ مهم ترین دلایل پیشرفت ژاپن است (همان: ۱۵۶-۱۴۹).

می‌افزاید کنت کاتسورا، نخست وزیر، تحصیل کرده آلمان است و در همان ایامی که من و برادرم در برلن مشغول تحصیل بودیم درس خوانده است (۱۸۷۶) به فکر خدمت به کشور و قطع نفوذ خارجی‌ها است می‌گوید از تجارب ۲۰ ساله آلمانی‌ها در نوشتن قانون استفاده کرده و آن را به ژاپنی ترجمه و میزان کار خودش قرار داده و به فکر رشد اقتصاد کشور است (همان: ۱۶۳-۱۶۲). هدایت، مارکی ایتو را معمار اصلاحات و ترقی خواهی ژاپن معرفی و از زبان او، الگوی پیشرفت ژاپن را چنین خلاصه می‌کند: «چون دست به کار زدیم دیدیم مرد کار نداریم، از جوانهای آزموده به ارپ و آمریکا فرستادیم در هر شعبه علمی و صنعتی تکمیل شدند، سپس به تشکیلات پراختیم و هرگونه مدرسه در مملکت ساختیم» (همان: ۱۶۴-۱۶۳). تبیینی که هدایت از نقش «قانون» در مدل ترقی ژاپنی ارایه می‌کند بسیار نزدیک به تبیین‌های قانونمند پوزیتیویست‌ها است. مؤلف در همراهی با مدل قانون فراگیر که باورمندان به روش‌های اثبات گرایی در تاریخ ارایه می‌کردند بر آن است که اصل





همیشگی و لایتغیر ترقی و پیشرفت، نظام مند کردن جامعه و تطبیق ارکان آن با قانون است. همانگونه که گفته شد ژاپنی‌ها را به دلیل بهره‌مندی از مطالعات ۲۰ ساله آلمانی‌ها در تهیه نظام قانونی<sup>۱</sup> و ترجمه آثار ایشان می‌ستاید (همان: ۱۶۳) و تاسیس نظام قضایی به شیوه اروپایی را یکی از رموز موفقیت ایشان در ترقی و پیشرفت می‌داند (همان: ۱۷۲). تحلیل‌های هدایت از پیشرفت ژاپن مشحون از تبیین‌های علی و تفسیری است یعنی تلاش می‌کند همزمان به چرایی و چگونگی پیشرفت و ترقی ژاپن پاسخ دهد در یک نمونه جالب وی با مقایسه وضعیت روسیه و ژاپن قاطعانه اظهار نظر می‌کند که ژاپن بر روسیه پیروز خواهد شد (چند ماه قبل از آغاز جنگ و دو سال پیش از پیروزی ژاپن) چرایی و چگونگی آن را نیز چنین تبیین می‌کند این قوم محاسبه‌گرند، اسباب و علل فنی را آماده کرده‌اند و روحیه رزم جویی و شجاعت خود را به تنبلی‌ها و تجملات تمدن غربی نیالوده‌اند و حتی عاشقانه‌های ایشان<sup>۲</sup> نیز رزم خواهی و شجاعت در میدان نبرد را تبلیغ می‌کند: «ژاپنی در هیچ فنی محتاج خارجی نیست، جوانانی که به خارج فرستاده‌اند در تحت مراقبت سرپرستان هنر آموخته و ثمر بخشیده‌اند. هیچ یک از اطوار بلووارهای اروپائی به ژاپن سرایت نکرده و در آداب زندگی داخل نشده است، جز رسم خودشان مد نمی‌شناسند بی‌عاری‌های تمدن هنوز به ژاپن راه نجسته است» (همان: ۱۷۸-۱۷۷).

او می‌کوشد طی یک فرایند عقلانی دست یابی به شناخت واقعی از مدل ترقی ژاپنی را امکان پذیر سازد و بدین منظور از توصیف واقعیت تا تبیین و تفسیر و تفهیم بهره می‌گیرد. با اشاره به تاریخ اسطوره‌ایی این کشور می‌نویسد از هنگامی که ژاپن اختلافات داخلی و رسوم ملوک الطوائفی را با افسانه‌ها و فسونه‌های ویرانگر کنار گذاشته به جای دشمنی با تمدن جدید ارکان مثبت و سازنده اش را پذیرفت گام در شاهره ترقی نهاد. او وجود دو مجلس شورای ملی و اعیان در ژاپن را از ابزارهای اساسی بهره‌مندی از خرد جمعی و پیشرفت ژاپنی‌ها می‌داند (همان: ۱۹۱).

۱ - ژاپنی‌ها در ترسیم مدل حقوق اساسی خود تحت تاثیر آموزه‌های ایده آلمانی «حقوق حکومت» (Staatsrecht) بودند که اولویت را به حکومت، در مقابل فرد و قانون بر ساخته حکومت در مقابل حقوق طبیعی یا قرارداد اجتماعی می‌داد (بیزلی، ۱۳۹۳: ۱۱۹).

۲ - معنای یکی از آوزاهای ژاپنی این بود که محبوبه‌ایی به خاطر خواه خود می‌گوید فراد که با روسیه بجنگیم تو به میدان می‌روی و من بدنالت می‌آیم برای بستن زخم‌هایت (هدایت، ۱۳۶۸: ۱۷۷).

هدایت خردمندی ژاپنی‌ها را در آن می‌داند که فریب ظاهر تمدن غربی را نخورده‌اند و اصالت خود را از دست نداده‌اند: «بالتر تمجیدی که از ژاپنی می‌توان کرد، نظر صائب است که آنچه مرغوب و مطلوب بوده اخذ نمود و گرد رسومات بیهوده نگشته‌اند ... فریب ظاهر را نخورده‌اند ... دام مد بر آنها نمی‌شود نهاد، و به متاع همج سرمایه آنها را به باد هوس نمی‌شود داد» (همان: ۱۹۲).

هدایت عقلانیت و خرد جمعی را مهم‌ترین سبب و دلیل ترقی و پیشرفت ملت‌ها می‌داند با اشاره به اینکه علت جویی و تلاش برای تبیین علی‌پدیده‌ها فطری انسان‌هاست تأکید دارد عقلای هر قومی با استفاده از تصورات مردم می‌توانند راه‌های سلامت و سعادت را به مردمشان ارایه کنند (همان: ۲۰۱). وی نشان دیگری از عقلانیت مدل ترقی خواهی ژاپن را در پایبندی ایشان به آداب و سنن ملی ایشان می‌داند (همان: ۲۱۳-۲۱۲).

مؤلف همچنین از توجه دولت ژاپن به سیاست‌های تامین اجتماعی اقشار آسیب پذیر بعنوان یکی از رموز موفقیت ایشان یاد کرده می‌نویسد تشکیل انجمن‌های خیریه در زمینه‌های بهداشت، ترویج کشاورزی، انتشار ادبیات و علم؛ تلاشی برای کم کردن شکاف میان فقیر و غنی است که به عمومی شدن پیشرفت و ترقی می‌انجامد. وی پیروی از چنین مدلی را سخت مورد نیاز همه ملل و دول می‌داند (همان: ۲۲۱).

او در تبیین آسیب شناسی مدل ترقی ژاپنی هم دیدگاهی انتقادی و عقلانی دارد و مهمترین خطری که متوجه ترقیات ژاپن است را غربزدگی پوچ و بی معنا و تقلید صرف از ایشان و فریفته شدن به لفاف دمکراسی بدون درک معنای واقعی آن می‌داند (همانجا).

### شمس طالعه یا دولت ژاپون

یک سال پیش از صدور فرمان مشروطیت، «ماطه وس ملیک یانس» با ترجمه برخی از کتب خارجی اولین کتاب فارسی در تاریخ ژاپن را منتشر کرد و آن را «شمس طالعه یا دولت ژاپون» نامید. هدف از ترجمه و تالیف این کتاب به تصریح نویسنده آگاه کردن هموطنان از تاریخ ژاپن و «چگونگی سرعت ترقیات این مملکت شگفت انگیز است تا ایران مینو نشان سر از خواب غفلت برداشته از ایشان الگو گرفته ترقی نماید» (ملیک یانس، ۱۳۲۲: مقدمه).



وی اشاره‌ایی به منابع کتاب خود نمی‌کند اما با مقایسه محتوای کتابش با منابع معتبر تاریخی می‌توان از صحت و سقم اطلاعات ارایه شده در این کتاب اطمینان حاصل کرد. هرچند بیشتر کتاب ماطه وس توصیفی است اما در مواردی تحلیل و تبیین نیز دیده می‌شود. مؤلف در ۱۴۳ صفحه به این موارد پرداخته است: حالت سابق و وضع حالیه ژاپن، اخلاق و عادات اهالی، هنر و صنایع دستی، مدارس و علوم و اختراعات و مطبوعات ژاپن، تجارت، دین و آئین، شهرها و بنادر بزرگ، نفوذ انگلیسی‌ها، تاریخ ژاپن و اصلاحات جدید آن، امپراتور، قشون، جنگ با روس.

کتاب با تاریخ اسطوره‌ایی ژاپن آغاز می‌شود و با جنگ این کشور با روسیه پایان می‌یابد. او در تحلیل دلایل پیشرفت ژاپن به موارد متعددی اشاره می‌کند از جمله: کار و تلاش همراه با قناعت<sup>۱</sup>، احترام به زنان و خانواده<sup>۲</sup>، آموزش زنان و دختران<sup>۳</sup>، اخلاق ملایم و دور از خشونت همگان<sup>۴</sup>، ترجیح مصالح ملی بر منافع فردی<sup>۵</sup>، گسترش مدارس جدید<sup>۶</sup>، توجه به دانش‌های جدید و علوم کاربردی<sup>۷</sup>، گسترش اختراعات و اکتشافات و تولیدات صنعتی ارزان<sup>۸</sup>.

۱ - ژاپنی سخت کار می‌کند و بسیار قناعت دارد در کارخانه‌ها ۱۴ تا ۱۶ ساعت به اندک مزدی (ده تا ۱۵ شاهی) با دقت و وسواس یک هنرمند و با سرعت و چالاک‌ی به کار مشغول است و خوراک روزانه و محدود او غالباً از ریشه نباتات است (ملیک یانس، ۱۳۲۲: ۳۷).

۲ - برخلاف مشرق زمینان ایشان به زنان و فرزندان خود احترام می‌گذارند و هرگز ایشان را تنبیه نکنند یا تحکم نورزند، زنان ایشان مانند زنان اروپایی آزادند اما در عین حال از شوهرانشان اطاعت محض دارند (همان: ۳۱-۳۰).

۳ - تعلیم اجباری زنان و دختران سبب شده که ایشان همگی با سواد و دارای هنرهای مختلف زندگی باشند (همان: ۳۲).

۴ - مؤلف کشور ژاپن را «وادی خنده رویان و اقلیم خوشخویان» معرفی کرده می‌نویسد: اهالی ژاپن مهربان و ملایم و دور از خشونت هستند حتی در زبان ایشان الفاظ رکبک و فحش وجود ندارد و منتها کلمه‌ایی که در سب کسی بگویند لاک پشت است و این از آن روی است که ایشان همیشه با گل و لاله مشغولند (همان: ۴۶-۴۵).

۵ - عشق بوطن و جانبازی در راه آن بزرگترین صفت ایشان است و در راه ترقی کشورشان از جان و مال مضایقه ندارند (همان: ۴۸-۴۶).

۶ - در همه ژاپن حتی دهات آن مدرسه وجود دارد و حتی یک بیسواد در این کشور نیست. برنامه این مدارس جدید از کشورهای آمریکا و اروپا هم بهتر و گسترده تر است و در مجموع تا سه سال قبل در ژاپن بیش از ۲۷ هزار مدرسه وجود داشت (همان: ۵۲-۵۱).

۷ - وی برنامه مواد درسی مدارس ژاپن را این گونه می‌نویسد: اخلاق، تاریخ، جغرافیا، حساب و جبر، حیون شناسی، گیاه شناسی، بهداشت، فیزیک، شیمی، علم الکتریک، نقاشی، موسیقی، ژیمناستیک و زبان‌های انگلیسی، آلمانی و فرانسوی است (همان: ۵۳).

ارزان<sup>۱</sup>، آزادی قلم و بیان<sup>۲</sup>، بی‌نیازی از متخصصان خارجی<sup>۳</sup>، تجارت آزاد و گسترده با غرب<sup>۴</sup>، غرب<sup>۴</sup>، گسترش خطوط راه آهن<sup>۵</sup>، برگزاری مستمر نمایشگاه‌های علمی صنعتی در شهرهای شهرهای بزرگ ژاپن<sup>۶</sup>، اهتمام به توریسم<sup>۷</sup>.

اما اصلی‌ترین دلیل پیشرفت و ترقی را رویکرد عقلانی حاکمان ژاپن، بویژه امپراتور موتسو هیتو، به غرب و الگو برداری از ایشان در گسترش علوم و فنون جدید، گسترش تجارت آزاد، شایسته‌سالاری و ایجاد وفاق و وحدت ملی می‌داند که موجب همگرایی دولت و ملت ژاپن شده در سایه کار و تلاش مضاعف منجر به عمومی شدن میل به پیشرفت و تلفیق آن با آداب و سنن ژاپنی گردیده است.

می‌نویسد امپراتور از آن مایه عقل بهره مند بود که با کنار گذاشتن آداب و تشریفات و سنن محدود کننده پیشینی به میان مردم آید و در پی کشف رمز و راز ترقی و پیشرفت غرب و تبیین آن برای ملت خود باشد<sup>۸</sup>. نگاه او به غرب نه از سرتحیر و انفعال بلکه از منظر منظر آگاهی و نقد خردمندانه بود از این روی در ۱۸۶۸ طی فرمانی به مردم راه پیشرفت و

۱ - مدعی است: گسترش اختراعات و اکتشافات و تولیدات صنعتی ارزان به حدی است که حتی آمریکایی‌ها و اروپایی‌ها هم تعجب می‌کنند برای نمونه در دهات ژاپن هم برق و توربین‌های آبی توسط خود ژاپنی‌ها ساخته و نصب شده اما آمریکا و اروپا هنوز این طور نیست (همان: ۵۵-۵۴).

۲ - برای نمونه می‌نویسد: تا سال ۱۸۹۸ در این کشور ۸۲۹ روزنامه در کمال آزادی بیان منتشر می‌شد (همان: ۵۷).

۳ - ژاپنی در هیچ فن و دانشی محتاج بیگانه نیست (همان: ۵۴-۵۳) و عجیب نخواهد بود که تا چند وقت دیگر اروپائیان برای تحصیل به ژاپن بیایند و این از سخت‌کوشی در راه علم و فطانت در امور مادی بدست آمده است. (همان: ۵۷).

۴ - مؤلف تجارت آزاد و گسترش روابط با غرب را مهم‌ترین علل ترقی تجاری-اقتصادی ژاپن معرفی می‌کند (همان: ۶۴).

۵ - می‌نویسد امپراتور برای احداث راه آهن با شرکتهای غربی قرارداد بست و ایشان را ملزم کرد جوانان ژاپنی را همزمان در این فن آموزش دهند اما چون نتیجه لازم را ندید اقدام به تاسیس مدارس عالی کرد که در آن دانشجویان دوسال اول به مباحث نظری، دوسال بعد به مطالعات علمی و کار عملی (۶ ماه درس و ۶ ماه کار در پروژه‌های راه آهن) و دوسال آخر صرفاً به کار عملی می پرداختند و همین امر سبب گسترش راه آهن و ارزانی آن و کثرت استفاده عمومی از آن شد. در تمام ساعات شبانه روز راه آهن با نظم و دقت و سرعت خدمات ارایه می‌کرد و طول خطوط آن ۷۶۴۸ کیلومتر بود (همان: ۷۰-۶۸).

۶ - در تمام شهرهای بزرگ سالی دو بار نمایشگاهی از محصولات علمی، صنعتی برقرار می‌شود که به منزله آموزشی برای بازدیدکنندگان آن می‌باشد (همان: ۷۱).

۷ - اهالی انجمنی به نام خوش آمدید درست کردند برای سهولت گردش و تماشا و راهنمایی مسافران و خارجیانی که هر ساله بیشتر بیشتر به ژاپن می‌آیند. این انجمن مجانی خدمات ارایه می‌کند (همان: ۸۹).

۸ - می‌نویسد: امپراتور که مقامی خدایی داشت و از انظار پنهان بود با راهنمایی وزیر آزادی خواهش «اوکو» (همان: ۱۱۴-۱۱۱). (این اوکو همان ایتو است- مؤلف) به میان مردم آمد و راه‌های پیشرفت و ترقی ژاپن را گشوده شد (همان: ۱۱۷-۱۱۵).

ترقی را «پیروی از نور عقل و علم و دانش» اعلام کرده (همان: ۱۱۹) افزود:

«مردم مغرب زمین ما را دارای هیچ شرف شناسند پس شایسته چنان است که قدر عالم انسانیت را داشته و اندکی تعقل کنیم که اروپائیان که هم اول در وحشیگری و جهالت مانند ما یا بدتر از امروزه ما بودند به چه وسیله در این زمان خود را باعلی مدارج ترقی و تمدن رسانیده و در خوبی انگشت نمای مردم روی زمین شده تا بحدیکه هرکس بخواهد کاری عقلانی را تمجید کند این قدر کافی داند که بگوید فرنگیان چنین کنند و حال آنکه ایشان هم علم و صنعتی مادر زاد ندارند که طبعاً بر دیگران رجحانی داشته باشند و این مقام بلند را جز بتحصیل علوم و صنایع کسب نکردند» (همان: ۱۲۱-۱۲۰)

توجه مؤلف به تغییر اقتدار فرهمند و سنتی به اقتدار قانونی هم جالب توجه است. اساس پیشرفت ژاپن را در تغییر نظام امپراتوری به مشروطیت پارلمانی و بهره مند از خرد جمعی می‌داند. وی مشروطیت ژاپنی را برنامه‌ای منظم و با مطالعه می‌داند که با الگو برداری از نظام پارلمانی غرب موفق شد هم به توزیع قدرت بپردازد و هم زمینه بهره‌مندی از خرد جمعی را در پرتو ایجاد نظامی قانونی فراهم آورد.<sup>۱</sup>

### نتیجه

نخبگان ایرانی در تلاش برای یافتن مدلی از پیشرفت به ژاپن توجه کردند. میرزا عبدالرحیم طالبوف تبریزی یکی از پیشگامان این راه بود که نخستین ترجمه از قانون اساسی ژاپن به زبان فارسی را ارایه کرد و تلاش نمود دلایل ترقی این کشور را تبیین نماید. پیروزی این کشور در نبرد با روسیه موجی از احساسات و هیجانات عمومی را در ایران برانگیخت. در سال‌های پیش از صدور فرمان مشروطیت دو ایرانی به این کشور سفر کردند و هریک به فراخور سطح معلومات و مشاهدات خود به توصیف مدل ژاپنی ترقی خواهی و

۱ - می‌نویسد ترجمه کدهای ناپلئون زمینه را برای قانون‌گرایی این کشور فراهم کرد و گشایش پارلمان آن را استوار ساخت، دو مجلس اعیان با ۳۰۰ نفر عضو از شاهزادگان و اشراف و نجبا که انتصابی هستند و مجلس نواب که ۳۶۹ نماینده اقشار مختلف مردم و انتخابی هستند؛ نظام پارلمانی ژاپن را شکل داد (همان: ۱۲۳-۱۲۲). او تأکید دارد آزادی فکر و بیان موجب مشارکت همگانی در خیر و صلاح کشور شد (همان: ۱۲۴) و عقلانیت سیاسی در سیاست خارجی و داخلی پدیدار گشت (همان: ۱۲۵-۱۲۴).

تبیین علل پیشرفت آن پرداختند. نخستین کتاب در باره تاریخ ژاپن و گزارش پیشرفت‌های آن به زبان فارسی نیز یک سال پیش از صدور فرمان مشروطیت منتشر شد. هم در این آثار و هم در نوشته‌های دیگری که پس از آن انتشار یافت، ژاپن الگویی مناسب و سازگار با فرهنگ شرقی برای پیشرفت و ترقی شمرده شده است. در این الگو با بهره‌مندی از نقاط مثبت مدل‌های پیشرفت غربی به حفظ فرهنگ و سنن ملی تأکید شده بود. هم نخبگان ایرانی و هم طبقات سنتی قدرتمندار می‌توانستند آن را بپذیرند، حتی مظفرالدین شاه بی‌علاقه نبود که در باره مدلی از پیشرفت و ترقی که می‌توانست همزمان با تن دادن به تفکیک قوا و پذیرش نظام پارلمانی، قدرت و اقتدار امپراطور را حفظ می‌کند بیشتر بداند.

از میان آثار بررسی شده مدل ترسیمی هدایت از پیشرفت ژاپنی کامل‌تر است. این دلیل زندگی او در اروپا و آشنایی اش با مدل‌های اروپایی و نیز به خاطر مطالعه در باره تاریخ ژاپن و مشاهده دقیق اوضاع این کشور است.

مدل‌های ترسیمی از الگوی ژاپنی پیشرفت حاکی از آن است که ژاپنیان با ارکان اصلی تمدن غرب و پیشرفت و ترقی ایشان آشنا بوده و آن را بکار گرفته‌اند. تفکیک قوا، اقتدار عقلانی، قانونگرایی، کار و تلاش بی‌وقفه، نظم و انضباط آهنین، آموزش علوم جدید، تجربه‌گرایی فایده‌گرایانه، اهتمام به فناوری و اختراعات؛ مورد تأکید قرار گرفته است. در عین حال توجه به آیین‌ها و سنن ملی و دوری از وجوه ناپسند تمدن غربی بهترین رویکرد ژاپنی‌ها برای مهار گسست و بحران‌های اجتماعی ناشی از نوسازی محسوب شده است.

## کتاب‌نامه

- آدلر، فیلیپ جی (۱۳۸۴)، *تمدن‌های عالم*، ترجمه محمد حسین آریا، تهران، امیرکبیر.
- اتکینسون، آر.اف. و دیگران (۱۳۹۲)، *فلسفه تاریخ، روش‌شناسی و تاریخ نگاری*، ترجمه حسینعلی نودری، تهران، انتشارات طرح نو، چاپ سوم.
- استنفورد، مایکل (۱۳۹۲)، *درآمدی بر تاریخ پژوهی*، ترجمه مسعود صادقی، تهران، دانشگاه امام صادق (ع) و سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت)، چاپ ششم.
- اسکاچپول، تدا (۱۳۹۲)، *بینش و روش در جامعه‌شناسی تاریخی*، ترجمه سید هاشم آغاجری، تهران، نشر مرکز، چاپ دوم.
- براون، ادوارد (۱۳۸۰)، *انقلاب مشروطیت ایران*، ترجمه مهری قزوینی، تهران، کویر، چ ۲.
- بنه دیکت، روت (۱۳۷۱)، *ژاپنیها دارند می‌آیند (الگوهای فرهنگ ژاپنی)*، ترجمه: حسین افشین منش، تهران، امیرکبیر.
- بیزلی، ویلیام جی (۱۳۹۳)، *ظهور ژاپن مدرن نگاهی به مشروطه ژاپنی*، ترجمه شهریار خواجهیان، تهران، ققنوس.
- پالمر، آلن. دابلیو (۱۳۸۷)، *فرهنگ تاریخ معاصر ۱۹۴۵-۱۷۸۹*، ترجمه عباسقلی غفاری فرد، تهران، مؤسسه انتشارات نگاه.
- پرتو، افشین (۱۳۸۲)، *میرزا ابراهیم صحاف باشی، سیاح ایرانی، سیاحت دنیا (ذی الحجه ۱۳۱۴ تا رمضان ۱۳۱۵ ه.ق)*، تهران، *مجله کتاب ماه تاریخ و جغرافیا*، اسفند ۱۳۸۲، شماره ۷۷.
- حسن زاده، اسماعیل (۱۳۸۶)، *تاریخ نگری و تاریخ نگاری عمادالدین کاتب اصفهانی، فصلنامه علمی- پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهراء (س)*، سال هفدهم، شماره ۶۵، تابستان (۱۳۸۶).
- دولت آبادی، یحیی (۱۳۷۱)، *حیات یحیی*، تهران، عطار، چ ۵.
- رجب زاده، هاشم (۱۳۷۱)، *ژاپن در چشم صحاف باشی*، تهران، *مجله کلک*، شماره ۲۸، تیر ۱۳۷۱.

- سایکس، سرپرسی (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران*، ترجمه سید محمد تقی فخر داعی گیلانی، تهران، افسون، چ هفتم.
- صحافباشی، ابراهیم، (۱۳۵۷)، *سفرنامه ابراهیم صحافباشی تهرانی*، باهتمام محمد مشیری، تهران، شرکت مؤلفان و مترجمان ایران، چ ۱.
- طالبوف، عبد الرحیم (۱۳۳۶)، *کتاب احمد یا سفینه طالبی*، بی جا، انتشارات گام، چ دوم (از روی چاپ ۱۳۱۹ اسلامبول).
- طالبوف، عبدالرحیم (۱۳۲۴ ق ۱۹۰۶ م)، *مسائل الحیات*، تفلیس، مطبعه غیرت.
- فولکیه، پل (۱۳۶۶)، *فلسفه عمومی یا ما بعد الطبیعه*، ترجمه یحیی مهدوی، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ سوم.
- کسروی، احمد (۱۳۸۳)، *تاریخ مشروطه ایران*، تهران، امیر کبیر، چ ۲۰.
- مجد الاسلام کرمانی، احمد (بی تا)، *سفرنامه کلات*، به تحقیق محمد خلیل پور، اصفهان، دانشگاه اصفهان، چ ۲.
- مرتون، اسکات (۱۳۶۴)، *تاریخ و فرهنگ زاین*، ترجمه: مسعود رجب نیا، تهران، امیر کبیر.
- مفتخری، حسین (۱۳۸۹)، *توصیف، تبیین و تفسیر در تحقیقات تاریخی*، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، شماره ۱۴۶.
- ملیک یانس، ماطه وس خان (۱۳۲۲) (ق)، *شمس طالعه یا دولت زایون*، طهران، مطبعه فاروس.
- ناظم الاسلام کرمانی (۱۳۸۴)، *تاریخ بیداری ایرانیان*، تهران، امیر کبیر، چ هفتم.
- هدایت (مخبر السلطنه)، مهدی قلی، (۱۳۸۵)، *خاطرات و خطرات*، تهران، زوار، چ ۶.
- هدایت، مهدیقلی (۱۳۶۸)، *سفرنامه مکه*، به کوشش سید محمد دبیر سیاقی، تهران، تیراژه، چ ۱.
- یوشیدا، ماسهارو، *سفرنامه یوشیدا ماسهارو*، ترجمه دکتر هاشم رجب زاده (۱۳۷۳)، مشهد، مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی.



Beckmann, George M. (1957), The Making of the Meiji Constitution: The Oligarchs and the Constitutional Development of Japan, 1868-1891, Publisher: Praeger; New edition edition.

Falsafi, shiva (2010), Civil Society and Democracy in Japan, Iran, Iraq and Beyond, Vanderbilt Journal of Transnational Law, Spring, Vanderbilt Journal of Transnational Law.

Gordon, Andrew (2003), A Modern History of Japan: From Tokugawa Times to the Present. New York: Oxford University Press.

Graham macdonald and Cynthia macdonald (2009), Explanation in Historiography, Blackwell Reference Online, A Companion to the Philosophy of History and Historiography, Edited by: Aviezer Tucker, eISBN: 9781405149082.

